

## افغانستان در آزمون روابط با پاکستان

تلاش پاکستان بمنظور ایجاد حاکمیت مطیع آن کشور در افغانستان  
نقش منفی و ویرانگر گروهای استخباراتی پاکستان در میهن ما

گنش‌ها و واکنش‌ها در مورد نقش اسلام‌آباد در کشور ما  
مفهوم واقعی مداخله در امور داخلی کشورها  
حاکمیت‌های قومی - قبیله‌ای در کشور  
تمویل تروریزم باید متوقف گردد

منظور از ایجاد روابط دوجانبه، انجام روابط سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی دو کشور مستقل می‌باشد. دوجانبه در تضاد با یکجانبه‌گرایی یا چندجانبه‌گرایی است که بترتیب فعالیت یک دولت واحد یا مشترک توسط چندین کشور است. زمانی که کشورها همدیگر را بمتابعت کشورهای مستقل شناخته و با استقرار روابط و مناسبات دیپلماتیک موافقت مینمایند، ایجاد روابط دوجانبه می‌بایست می‌بازد. کشورهای که روابط دوجانبه دارند، بمنظور تسهیل گفتگوها و همکاریها، نماینده‌های دیپلماتیک مانند سفرا را مبادله مینمایند. موافقتنامه‌های اقتصادی دی مانند موافقتنامه و تجارت آزادیا سرمایه‌گذاری مستقل خارجی که توسط دو کشور مستقل بامضا رسیده است، نمونه‌ای از دوجانبه‌گرایی است. از آنجا که بیشترین توافق‌های اقتصادی مطابق با خصوصیات خاص کشورهای متعا هد امضا می‌شوند تا رفتار ترجیحی به یکدیگر را ارائه نمایند، نه یک اصل کلی، بلکه یک تمایز موقعیتی مورد نیاز است. بنابراین، از طریق دوجانبه بودن، کشورها میتوانند توافقتنامه‌ها و تعهدات مناسبتری را که فقط برای کشورهای متعا هد خاص اعمال می‌شود، بدست آورند. در یک طرفند دوجانبه، برای هر یک از شرکت‌کننده‌ها باید قرارداد جدیدی انجام شود؛ بنابراین، تمایل بزمانی دارد که هزینه‌های معامله کم باشد و مازاد عضو که از نظر رفتاری با مازاد تولیدکننده مطابقت دارد، ترجیح داده شود. علاوه برین، اگر یک کشور تأثیرگذار خواهان نظارت از کشورهای کوچک از منظر لیبرالیزم باشد، مؤثر خواهد بود.

بگمان اغلب، همه باین واقعیت انکارناپذیر معترفند که با سپری شدن پی‌اندزپی سال‌ها، ماها هفته‌ها، اما حیات همچنان تداوم حاصل نموده و هرگز متوقف نمی‌گردد که برین بنیاد، زندگی و حیات سیاسی نیز هرگز درنگ و توقف را اصلن نمی‌پذیرد و چنین حالت بویژه در شرایط و وضعیتی که برخی از هوآخواهان جهانی سازی در حال مبارزه و تلاش بمنظور کسب عنوان و امتیاز طرفداران اصلی جهانی سازی می‌باشند، بیش از پیش مطرح بحث قرار می‌گیرد. بنابراین، زمان بمنظور تعطیلات سیاسی اصلن وجود ندارد. درکنار اینهمه، بخاطر ما باشد که در پایان سال پسین و ماه‌های نخستین سالروان، خبرهای دال بر آغاز درگیری‌هایی، بویژه در امتداد "خط دیورند" میان نظامیان پاکستانی و "طالب"ها بنشر رسید، همچنان هشدار داده شد که درگیری‌های محدود، می‌تواند بدرگیری‌های مسلحانه منطقی مبدل گردیده و در ساحة وسیعی بسط و گسترش یابد. قابل یاددهانی پنداشته می‌شود که درگیری‌ها وضدونقیض گو بی‌ها بین افغانستان و پاکستان که عمدتاً از معضلات مربوط به "خط دیورند" ناشی می‌گردد، امر تازه‌ای نمی‌باشد، اما خطر بسط و گسترش درگیری‌های یادشده بویژه در مقیاس وسیعتری، اسباب نگرانی همه را ببار آورده است. درین بخش تذکر این مسأله نباید فراموش خاطر ما گردد که بتایخ ۲۶ ماه دسامبر سال پسین، برابر با ۴ ماه جدی سال ۱۴۰۳ خورشیدی، قوت‌های هوایی نظامیان پاکستانی با ریختن بمب به محلاتی در مناطق شرقی کشور ما، سبب هلاکت و بخاک و خون کشاندن شهروندان ملکی کشور شامل بانوان و اطفال گردید که بنحوی از انحاء بمتابعت پاسخی به حملات ستیزه‌جویان "تحریک طالب‌های پاکستان" بیک قراول موجود پاکستانی که به کشتن ۱۶ تن از نظامیان پاکستانی منجر گردید، بخورد دیگران داده شد. قابل تذکر پنداشته می‌شود که تعداد مجموعی قربانیان

حملات گروهایی که با "تحریک طالب های پاکستان" و بلوچ ها مرتبط می باشند، بویژه در امتداد سال پار به ۲۰۰۰ تن بالغ می گردد. وسایل اطلاعات همگانی و منابع آگاه اطلاع می دهند که از ماه حمل سالروان بدینسو، درگیری های مسلحانه بویژه در مناطق دوطرف "خط دیورند"، همچنان تداوم یافت. در اینمورد، به دلیل کشته شدن پنج تن از مهندس های چینیایی توسط "تحریک طالب های پاکستان" که مصروف اعمار یک نیروگاه برق آبی بودند، عنوان گردید. حادثه یادشده همزمان با انجام حمله ای توسط گروه های بلوچ به بندر "گوادر" بود که بویژه، کشور چین سرمایه گذاری های هنگفتی را بمنظور دستیابی باهدف ستراتیژیک در آن، بکارگرفته است و از نقطه نظر چگونگی مقیاس آن میتوان آنرا با حمله اردوی آزادیبخش بلوچستان در امتداد ماه اسد سال پار مقایسه نمود. چنین تصویری گردد که حملات یادشده، در نوع خود بخشی از برنامه گسترده تری محسوب می گردد که اسلام آباد را هدف قرار می دهد. در این مقطع پرسشی بشرح ذیل مطرح می گردد که آیا "طالب" های پاکستانی و گروه های بلوچ می توانند برنامه های عملیاتی شان را هماهنگ نموده و با تشریک مساعی، با اقدامات قاطعی بههدف دستیابی بموارد مورد نظر مبادرت ورزند؟

در مورد نوع عمودی قدرت و پیشرفت های حاصله، تذکر این مسأله شایان توجه پنداشته میشود که در مورد یادشده، برخی از مشخصه های مربوط به موضوع فوق را بگونه ویژه ای باید مورد بررسی و مطالعه قرار داد. جالب است که همزمان با موجودیت هیأتی ازوزارت امور خارجه پاکستان در شهر کابل، بمنظور بازدید از کشور ما و در حالی که با انجام مذاکرات و ملاقات با مقام های رسمی "طالب" ها مشغول بودند، درگیری های مسلحانه و تیراندازی هایی در شهر کابل نگرانی هایی را ببار آورد. با وضعیت اینچینی، این واقعیت کاملن واضح و مبرهن بود که چنین هماهنگی را اصلن نمی توان از برنامه های سیاستمداران نظامی و غیرنظامی اسلام آباد مجزا و منفرد پنداشت، بلکه وضعیت پیش آمده از مدت ها قبل برنامه ریزی شده و در زمینه یادشده، هماهنگی هایی نیز موجود بوده است. نظامیان پاکستانی نه تنها از چگونگی روابط تنگاتنگ "تحریک طالب های پاکستان"، ابراز ناخوشنودی نموده و نه تنها نارضایتی شان را از وضعیت موجود کنونی اظهار می نمایند، بلکه در گام نخست، صبر و تحمل آنها به پایان رسیده است، اما با وجود اینهمه، همچنان اعلام می نمایند که همیشه درب مذاکره و گفتگورا باز نگه میدارند.

اما بخاطر ما باشد که اداره اسلام آباد منتظر شنیدن تمامی اظهارات "طالب" ها بودند و هستند که گویا حملات نظا میان پاکستانی بر سرزمین افغانستان، بی پاسخ نخواهد ماند و یا طرح این مسأله که "طالب" ها از مرز ایجاد شده فرضی عبور خواهند نمود و...

اما متذکر باید گردید کاین واقعیت قصدن و عامدن بر "طالب" ها تحمیل گردید تا عواقب اقدامات خویش و چگونگی پیام های ناخوش آیند نظامیان پاکستانی را مورد ارزیابی و سنجش قرار دهند. دیده می شود کاکر بگونه اجباری هم باشد، اسلام آباد اصل کارایی عمودی قدرت در کابل را مورد آزمایش قرار خواهد داد.

آیا وضعیت اینچینی فقط ظاهر امر پنداشته می شود و یا بگونه واقعی، نتیجه سلسله مراتب از قبل تعیین شده می باشد؟ اما در وضعیت حاضر موجود، در بسا نقاط جهان کنونی هنوز هم امکانات انجام اقدامات متهورانه موجود می باشد. در اینمورد، در جمع نخبگان کشور ما، عده بیشتری موجودند که با سرهم بندی و شکل گیری آشفستگی و نبود استقرار سیاسی در پاکستان، با جمعآوری نیروها و تهیه امکانات ترسیم مجدد نقشه جغرافیایی و در واقعیت امر با اصل "عبور از خط دیورند" موافق و هم نظری باشند. در نتیجه و نهایت امر، این ایالات متحده و چین اند که در امر کمک و معاونت با پاکستان با یکدیگر بر رقابت خواهند پرداخت و کابل در اینمورد، بسیاری از موارد مورد نظر را از دست خوا هد داد. اما بخاطر ما باشد که خود پاکستان نیز از سیر اینچینی اوضاع خوشنود بنظر نمی رسد، چه سال پار، با انجام اقدامات تروریستی "تحریک طالب های پاکستان" و حملات پی اندر پی بلوچها به مناطق و محلات مربوط به پاکستان، سال مملو از درد ورنج و تحمل قربانی های بی شمار طرف های درگیر پنداشته شد.

مسأله مهم و قابل توجه بعدی، معضل برسمیت شناختن "طالب" ها پنداشته می شود. در سازمان ملل این موضوع مورد جروبحث قرار داده شد کایا "طالب" ها مسیر اصلاح و تغییر را پیشه نموده و یا تازه آماده می گردند تا در مسیر یادشده گام بگذارند. پاسخ به پرسش فوق، آنقدرها هم ساده و بسیط بنظر نمی رسد. در دوره نخست حاکمیت آنها در کشور، در باره چگونگی بهتر شدن "اصلاحات آموزشی"، موردی در چانه نداشتند. مشکل حقوق و آزادی های بانوان کشور، بمثابة معضل دیگر است که در قبال "طالب" ها خودنمایی می نماید.

در شرایط و وضعیت کنونی، "طالب" ها در کشور در صدد سرهم بندی و ایجاد هنجارهای منحصر بفردی برای بانوان کشور می باشند. اما ممکن برخی ها چنین بیاندیشند کآغاز گفتگوها، جور آمدها، بده و بستان ها بمنظور برسمیت شنا

ختن حاکمیت "طالب" ها، در نوع خود بمثابة پیشرفت محسوب می گردد تا توافق هایی در مورد موضوع یادشده، از قوه بفعول مبدل گردد. اسلام آباد کازابتکارات قبلی "تحریک طالب های پاکستان" آگاه و مطلع می باشد، در تلاش است تا مسایل بوجود آمده ربا استفاده و بکارگیری قوه و اعمال زور، یکطرفه نموده، حل و فصل سیاسی قضایای موجود را اشتباه محض بشمار آورده و بحال اداره اسلام آباد مضر محسوب می نماید.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که در امتداد ماه اسد سال پار، جنرال حمید گل رئیس قبلی آی اس آی نیز بازداشت گردید. واقعیت موضوع در این امر نهفته می باشد که آی اس آی مانند سی آی ای در ایالات متحده و یا ام آی - ۶ در بریتانیا بمثابة بازیگر جداگانه و مستقل در سیاست نبوده و حرف نخست را اصلن بزبان نمی آورد.

در شرایط و وضعیت حاضر که متحده و هوأخوان نواز شریف و بوتو، مهمترین و حساس ترین بخش های اردو و استخبا رات پاکستان را در اختیار دارند، در مجموع در صدد تبدیل آن از نمونه سیا به نمونه دیگری از نوع یادشده می باشند. این مسأله بگونه واضح و میرهن است که ابتکارات سیاسی رهبری قبلی آن نیز بهدررفت، باین مفهوم که اسلام آبا د تصمیم گرفت تا چنین باشد. واقعیت های میدانی کنونی بازگوی این امر می باشد که اسلام آباد با استفاده از زور، تصمیم گرفت تا بر "تحریک طالب های پاکستان" فشار وارد نماید. بایست متذکر گردید که گروهایی از ملی گرایان بلو چ همراه با اسلامگرایانی از "تحریک طالب های پاکستان"، بشیوه کاملن هماهنگ به فعالیت و اجرای عملی برنامه های شان مبادرت می ورزند. در اینمورد، اسلام آباد در مورد جدایی آنها از همدیگر بگونه تب آلودی تلاش می ورزد. در مورد جهات مشترک تاکتیکی و موجودیت تفاوت های ستراتیژیک قابل یاددهانی پنداشته می شود که گروه های بلو چ، متشکل از ناسیونالیست هایی پنداشته می شوند که عناصری از دستور کار سیاسی چپ را در خود جا داده اند. چه، بلوچستان پاکستان و بلوچستان ایران بر بنیاد احصائیه های تخمینی از تعداد اندک جمعیت برخوردار می باشند. بر بنیاد احصائیه های موجود، تعداد مجموعی شهروندان بلوچ پاکستان به ۱۴ میلیون تن و در بلوچستان ایران به ۲,۵ میلیون ن تن بالغ می گردد. بلوچ ها در پاکستان در مجموع دولت و نخبگان قوت های مسلح گنجانیده شده اند. آنها هنوز هم به ناسیونالیزم خط قبلی شان دودسته چسبیده اند و از آنجایی که نه پاکستان و نه ایران اصلن در صدد بکار گماشتن امکانات و اختصاص منابع به مناطق یادشده نمی باشند، ایده های چپگرایانه با گرایش های اجتماعی، زمینه های مساعدی بدست آورده که هم با تهران، هم با اسلام آباد، هم با "طالب" های افغان و هم با "طالب" های پاکستانی، بگونه اجتناب ناپذیری در ضدیت قرار می گیرند.

یاددهانی این مسأله نباید از نظر دور نگهداشته شود که عده ای از مهاجران کشور عزیز ما که بگونه دستجمعی ویا انفرادی در اطراف و نواحی ایالت کوئته مسکن گزین شدند. پاکستان مانع امر یادشده نگردیده، بلکه سعی ورزید تا اصل ناسیونالیزم بلوچ را زیر سؤال برده، آنرا بیش از پیش تضعیف نموده و از طریق شعبه ها و ادارات آی اس آی، وضعیت را تحت نظر قرار داده و موارد موجود مخالف اداره اسلام آباد را از سر راه بردارد. چنین تصویری گردد کاکر جدایی طلبی بلوچ ها در کل بمثابة هدف در درازمدت، برای همه بجز "تحریک طالب های پاکستان"، مسأله کاملن جدید و بیگانه ای پنداشته میشود، اما برای زمامداران اسلام آباد، موضوع فوق پیچیده تر و مغلق تر بحساب می آید. اما بایست متذکر گردید که گذرگاهها و محلات عبورو مرورمرزی اند که از طریق آنها تجارت انجام می پذیرد. درین مورد، دومیسیراز بلوچستان می گذرد. اما موارد مربوط به توسعه و انکشاف تجارت چین، بگونه کلی از خیبر پختونخواه می گذرد.

بگونه رسمی، کریدور چین - پاکستان باید از ایالت گلگیت - باتستان و پس از آن، از کوئته و گوادر باید بگذرد، اما این منطقه اساسن بخشی از کشمیر بوده و تمامی امکانات فرأ افغانی در واقعیت امر، از طریق خیبرانجام می پذیرد که نه تنها در برگیرنده کالاهای مصرفی و گردش و دوران پول نقد است، بلکه شامل مواردی از قبیل خط لوله گز تاپی، فیبرنوری، خطوط انتقال برق نیز می باشد. ساده لوحانه است اگر تصور گردد که "تحریک طالب های پاکستان" به سادگی از چنین منافعی چشم پوشی نماید.

از ذکر این واقعیت نباید فرو گذاشت نمود که "طالب" های افغان با تبدیل شدن به بخشی از بازی کنونی بین المللی، ناگزیر به نایل گردیدن به توافق هایی در مورد تعیین سلسله مراتب درون ساختاری شان به توافق هایی نایل گردند. در کنار اینهمه، آنها نمی توانند بسادگی برادران "تحریک طالب های پاکستان" را حذف نموده ویا از صحنه خارج نمایند. همه ی اینها و آنها در مدرسه واحدی آموزش دیده و با استفاده از طرق و وسایل مختلف، باهم دارای قرابت های خویشاوندی و پیوندهای خونی می باشند، چه با توجه به تمام مفاهیم نوشته شده و یا غیر مکتوب و نانوشته، "طالب" ها ترجیح می دهند تا "تحریک طالب های پاکستان" را تحت حمایت و پوشش خویش قرار دهند. اما پرسشی

که ذهن بسیاری ها را فراگرفته، از جمله یکی هم این واقعیت می باشد کآیا "طالب"ها، بویژه در شرایط وضعیت کنونی بیک بازیگرسیاسی که با مصلحت ها و استراتژی آشنایی کامل دارد، مبدل گردیده اند و یا نه؟

یکشنبه ۷ ماه دلو سال ۱۴۰۳ خورشیدی برابر با ۲۸ ماه جنوری سال ۲۰۲۵ ترسایی